

دستگیر شدگان شهر مهاباد باید فوراً آزاد شوند!

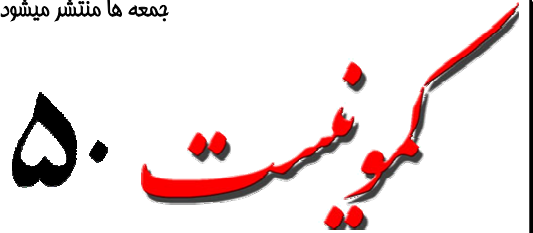
شهر مهاباد در اعتراض به قتل کمال اسفرام مشهور به "شوانه سید قادر" که عصر روز ۱۸ تیرماه ۱۳۸۴ برابر با ۹ ژوئیه ۲۰۰۵ بدست نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی به قتل رسید شروع و با یورش مردم مهاباد رفتار کردند. مسئول شورای اسلامی شهر مهاباد نیز از نیروی انتظامی جمهوری اسلامی انتقاد کرد که چرا کمال اسفرام را به قتل رسانده اند و باعث این وضعیت در مهاباد شده اند. وی سپس خواستار آزادی همه دستگیرشدگان این



حسین مرادیگی (حمه سور)

هفته گذشته شهر مهاباد صحنه درگیری شدید مردم و جوانان این شهر با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی بود. حرکات اعتراضی مردم و جوانان

جمعه ها منتشر میشود



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: اعظم کم گویان ۳۱ تیر ۱۳۸۴ - ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

اسلام و اسلام سیاسی در غرب و در خاور میانه



azam_kamguian@yahoo.com

گفتگوی رادیو پرتو با اعظم کم گویان

قسمت دوم

و خاورمیانه حاکم باشد و نقشی شبیه بطور مثال شبیه امپراطوری عثمانی داشته باشد که در محدوده وسیعی در جهان تفوق داشت و تا جنگ جهانی اول مضمحل شد. اختلافات تمدنی قالبی برای بروز اختلافات فی الحال موجود هستند. "تمدن" و "مقولات تمدنی" در تبلیغات سیاسی برای منافع خاصی نقش دارند. اسلامیت یا مسیحیت و تبیین های اسلامی یا تعصبات مسیحی ابزارهای بسیج اجتماعی در کشمکش بر سر منافع زمینی معینی است و خود اصلاً بر سر اسلام و مسیحیت یا تمدن اسلامی و مسیحی و تقابل این دو با هم نیست.

متن حاضر پیاده شده گفتگوی رادیو پرتو با اعظم کم گویان است که بدلیل اهمیت و موضوعیت مباحث آن در اینجا منتشر می شود. کمونیست

رادیو پرتو: از "تمدن اسلامی" بحث را پی بگیریم! اینها تمدن را مبنا قرار میدهند تا دو قدم بعد تر به همزیستی برسند! تمدن اسلامی اینها دو وجه عمده دارد: اول، دفاع علنی از بخشهای زیادی از اسلام و توجه آن تحت عنوان "فرهنگ مردم"، و دوم القاء وجود (و یا بهتر است بگویم تراشیدن) استنتاجی دموکراتیک و مدرن از اسلام! سوال من اینست، اینها در

اشاره تونی بلر به تفاهم و همزیستی تمدن مسیحی و اسلامی و آنچه که در رسانه های غربی طرح می شود هم بر همین اساس است و باید آن را در متن کشمکشهای اجتماعی دید. تونی بلر اولاً دارد می گوید ما به شما راه می دهیم بشرطی که قابل تفاهم باشید و در حدودی که ما تعیین می کنیم بدون نظامی گری و خشونت برای ما در غرب عمل کنید. آن را صفحه ۲

راس سیاستهای غرب مشغول چه هستند؟ این خوش خدمتی عیان برای چی است؟ غولی را میسازند تا بعداً در شیشه اش کنند؟

اعظم کم گویان: مقوله تمدن مسیحی و تمدن اسلامی هر دو بی معنا و پرت هستند. نه کشورهای غرب حول مسیحیت صف بندی شده و مدنیت خود را مسیحی می دانند و نه اسلام یک تمدن است که در کشورهای شرق

گنجی قهرمان و حکمتیست های مشکوک!



m.fatahi@gmail.com

محمد فتاحی

بکشاند، یا چنین تخیلاتی به ذهن بیمارش راه دهد pichay.blogspot.com دو پاراگراف بالا برایم میل شده بود، تا پاسخ صفحه ۳

این سازمان حککا جداً کثیف تر و پست فطرت تر از آنچه است که فکرش را می کردم. ببینید خانم! مهرنوش موسوی درباره اکبر گنجی چه خزعبلاتی نوشته. اینها جداً فکر می کنند که در فردای آزادی ایران جایی مهم دارند و همانوقت هم می خواهند که باز اکبر گنجی را به زندان بباندازند، کثافت ها، فکر می کنید که شما چه فرقی با رژیم سفاک جمهوری اسلامی دارید؟! شما نام کمونیسم و چپ را به گند کشیده اید. شما از انسانیت بوئی نبرده اید.

شکست از پیشی احمدی نژاد در عرصه مشکل اجرای حجاب اسلامی زنان



محمود قزوینی

خیابان با اسید و چاقو و اسلحه به جان زنان افتادند، زندان کردند و شلاق زدند، به منازل مردم حمله کردند و عربده کشیدند و الله و اکبر سر دادند. اما موفقیتی در کار نبوده است. هیچگاه!

بنا به گزارش مطبوعات رژیم قرار است طرح مبارزه با بدحجابی در مشهد به اجرا گذاشته شود. در اطلاعیه فرماندهی نیروی انتظامی استان خراسان آمده است که: "با افرادی که با پوشش های نامناسب از قبیل استفاده از مانتوهای کوتاه، تنگ، نازک، نیمه آستین و استفاده از بلوز و دامن، کت دامن، بلوز و شلوار و نیز کوتاه بودن شلوارها با پاهای

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

متناقض نیست. آنچه که شما شاهدش بودید عکس العمل طبیعی مردمی است که از جنایتی نظیر سلاخی وان گوگ بدست اسلامیون منجرند و دهها هزار نفر به خیابانها ریختند و احساساتی انسانی را نسبت به این توحش اسلامیون ابراز کردند. رسانه ها که تابع جو هستند و نان را به نرخ روز می خورند در همان پرپود کوتاه آن انزجار و احساسات انسانی را منعکس کردند. اما دولتهای حاکم بزودی کنترل اوضاع را بدست گرفته و مانع رادیکال شدن فضا و مانع خدشه دار شدن اسلام و تعرض به جنبشهای اسلامی شدند.

اسلام سیاسی تقویت می شود. غرب با نیرو گرفتن اسلام سیاسی مخالفت ندارد. غرب خود خالق این جریان بود. آنها را در افغانستان در مقابل بلوک شرق بوجود آورد. خمینی و جمهوری اسلامی را سوار انقلاب ایران کرد. غرب فقط مخالف تروریسم اسلامی است. از طرف دیگر صف مردم آزادیخواه شفافیت و روشنی و جواب تعرضی را ندارد. بستگی به ما در ایران و عراق دارد که چکار کنیم تا معادله را به نفع مردم و آزادیخواهی تغییر بدهیم.

رادیو پرتو: میخواستیم بپرسیم، در این میان چی نصیب جمعیت پناهنده شده است؟

اعظم کم گویان: راسیسم بی حقوقی شدیدتر و یک وضعیت سیاه. قوانین بشدت ضد پناهنده و موقعیت آپارتاید اجتماعی و سرکوب بیشتر. در حاشیه جامعه ماندن و شهروند درجه چندم محسوب شدن و در گتوها زندگی کردن و مانند مجرم محسوب شدن. مادام که تعرض جدی به این اوضاع نشود و اگر فاکتور مبارزه و تلاش مردم و افکار عمومی مترقی را کنار بگذاریم وضعیت سیاهی خواهد بود. دولتهای غربی مردم و افکار عمومی را با رسانه ها و ابزار دیگر علیه پناهندگان بعنوان مسلمان وحشی و مجرم تحریک می کنند.

رادیو پرتو: با این توصیفات، صف بندی های اصلی برای سکولاریسم، برای انسانیت

می خواهد قدرت را در عراق بدست بگیرد. اسلام سیاسی از طریق استراتژی آن که تروریسم اسلامی است برای حفظ موقعیتش در خاورمیانه و برای سهیم شدن در قدرت تلاش می کند. به هر درجه مساله فلسطین در بی آیند گی و بحران بماند و غرب در پیشبینی از اسرائیل به بدتر شدن وضعیت منطقه کمک کند به همان درجه اسلام سیاسی از این وضعیت تغذیه می کند و نیرو می گیرد و میداندار می شود. اسلام یک پدیده در خلا نیست. بدلیل تناقضات و بحرانهای حل نشده در خاورمیانه داما

اسلام سیاسی تقویت می شود. غرب با نیرو گرفتن اسلام سیاسی مخالفت ندارد. غرب خود خالق این جریان بود. آنها را در افغانستان در مقابل بلوک شرق بوجود آورد. خمینی و جمهوری اسلامی را سوار انقلاب ایران کرد. غرب فقط مخالف تروریسم اسلامی است. از طرف دیگر صف مردم آزادیخواه شفافیت و روشنی و جواب تعرضی را ندارد. بستگی به ما در ایران و عراق دارد که چکار کنیم تا معادله را به نفع مردم و آزادیخواهی تغییر بدهیم.

رادیو پرتو: نمونه ترور فیلم ساز هلندی، سوال دیگری در

همین زمینه را باز میکنند در هفته اول واکنش اولیه موجی وسیع از انزجار علیه مقصرین و اسلام و "بود" اما بتدریج که دولت خط خود را باز ساخت، چهره های پیش کسوت اسلامی تلوزیون و مدیا را قرق کردند. طرح ساخت چندین مسجد که در بایگانی خاک میخورد سریعاً به مرحله اجرا رسید، مدارس و موسسات اسلامی زیر چتر حمایت قرار گرفتند و ... آیا این متناقض نیست؟

اعظم کم گویان: نه بنظر من

اروپایی صرفاً مشغول اشاعه اسلام و برپایی مدارس اسلامی و مساجد و ... بشود. این تناقض در سیاستها و روشهای دول غربی وجود دارد.

رادیو پرتو: ۱۱ سپتامبر چه تاثیری بر این روند داشته است؟ با این رویداد، اسلام در مرکز سیاست و توجه بین المللی قرار گرفت. دنیا را حول، خطر اسلام و ظرفیت های کور تروریستی آن تجدید سازمان داد. بنظر من منطقی میاید که عرصه باید بر اسلام تنگ تر بشود، چرا برعکس است؟

اعظم کم گویان: در واقعیت مساله پیچیده تر از اینهاست. درست است که اسلام بلافاصله پس از یازده سپتامبر در مرکز توجه بین المللی قرار گرفت و مردم ظرفیتهای دهشتناک آن را لمس کردند شناختند و وحشت کردند اما عکس العمل مردم نسبت به آن یک عکس العمل هوشیارانه و فعال نبود. می خواستند مانع بدتر و خراب تر شدن اوضاع بشوند. سعی کردند فقط جلوی این توحش را بگیرند بدون آنکه با آن دربیقتند. یک افق روشن حاکم نبود. هنوز کماکان همینطور است و تغییر چندانی نکرده است.

از طرف دیگر یازده سپتامبر یک حرکت تروریسم اسلامی و یک اپیزود آن بود. یک وجه آن را شما گفتید که اسلام در مرکز توجه بین المللی قرار گرفت. اما روندهای دیگری هم در جریان بود و هست که باعث تقویت جریانات اسلامی شد. آمریکا به عراق حمله کرد و تقویت اسلام سیاسی یکی از پیامدهای اصلی آن بود. الان عراق یکی از پایگاههای تروریسم اسلامی در منطقه و در جهان است. این جریان

در قالب تمدنی فرموله می کند. ثانیاً می گوید تمدن اسلامی باید قابل همزیستی باشد و ثالثاً با فرمول تمدن کل مردم منتسب به شرق را که در شرق یا در غرب زندگی می کنند را در یک بسته بندی تمدن اسلامی می گذارد تا هر وقت لازم داشت مردم غرب و افکار عمومی را بتوان بی تمدن و مسلمان علیه آنها بسیج کند. مقولات تمدنی در دنیای واقعی و بطور ایزکتیو وجود ندارند اما برای بیان منفتهای مادی طرح و استفاده می شوند.

رادیو پرتو: اینها از همان ابتدا بچه های مردم را بعنوان مسلمان دودستی تحویل اسلامیون می دهند. دارند غولی را می سازند. چگونه می خواهند آن را کنترل کنند؟

اعظم کم گویان: فکر می کنند می توانند به اشکال مختلف مانع تروریسم و ابراز وجود نظامی جریانات اسلامی بشوند. این تناقضی است که باید به آن جواب بدهند. دولتهای غربی در غرب سعی می کنند مانع اسلام بدخیم و تروریسم اسلامی بشوند. در حالیکه در خاورمیانه با سیاستها و عملکردهایشان در زمینه عراق و فلسطین اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی که استراتژی این جریان است را تقویت می کنند. تروریسم اسلامی منطقه ای عمل نمی کند بلکه بین المللی عمل می کند و بهمین دلیل غرب نمی تواند آن را به خاورمیانه و یا دنیای غیر غرب محدود کند. این کوتاه بینی است که فکر می کنند در خاورمیانه تروریسم عمل کند و در غرب مانع آن بشوند و وادارش کنند که اسلحه هایش را بیرون مرزها بگذارد و در کشورهای

و بارها به شکستش در بر خورد به زنان و جوانان اعتراف کرده است. حالا با رساندن یکی از این برادران اوپاش عربده کش حزب الله از خیابان بر مسند ریاست جمهوری اسلامی، دایناسورهایی از ته فیضیه و حجره مساجد که در حفظ

ببرند. تاکنون حکومت اسلامی نه تنها نتوانسته در اجرای قوانین اسلامی موفق شود، بلکه دامنه نافرمانی زنان و جوانان به قوانین اسلامی آنقدر گسترده شده است که حکومت اسلامی قادر نیست با آن طرف شود. رژیم اسلامی بارها

جامعه است. هر چند هنوز سالی چند بار اراذل و اوباش اسلامی و تمامی لشکر نظامی و فکری اسلام برای ضرب شست نشان دادن به زنان بسیج میشوند و در خیابان با سردادن بانک ار از الله و اکبر به جان زنان و مردم میافتند، اما کاری را نمیتوانند پیش

پا گذاشتن قوانین و مقررات اسلامی یکی از عرصه های مبارزه ای است که جمهوری اسلامی هیچگاه نتوانسته است بر آن فائق آید. شکست جمهوری اسلامی در مقابل سرپیچی زنان در رعایت حجاب اسلامی دیگر یک شکست نهادینه شده در

در عوض پوشش زنان آزادتر و آزادتر شد. طوری که امروز برخی از این دایناسورهای حکومتی صحبت از این میکنند که وضعیت حجاب زنان در زمان شاه بهتر از جمهوری اسلامی بوده است. نافرمانی مدنی و یا عمومی زنان و جوانان در زیر

به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به پیوندید!



از صفحه ۱
 دهم! سری به صفحات وبلاگ زدم، مشخصات و هویت سیاسی وبلاگ مزبور برابرم ناشناخته بود. وب سایت شماره اول مندرج در صفحه اولش متعلق است به حمید احمدی دایرکتر تاریخ شفاهی چپ، به گفته خودش از مشاورین نظامی سابق بنی صدر بوده است. تنها سازمان سیاسی شناخته شده ایرانی که در لیست پیوندهای آن موجود است، سازمان راه کارگر است، به اضافه کانون نویسندگان. در لیست شخصیت هایش از چریک فدایی بیژن جزنی شروع و به علی میرفطروس ناسیونالیست ختم میشود. در یک نت انتهای صفحه اولش هم اشاره ای دارد به مشکوک و ضد مارکسیست بودن جریان حکمتیست و کمونیسم کارگری. با این مشخصات هویت سنت سیاسی ایشان چیزی در دایره اکثریت و راه کارگر و حواشی آنهاست. هدف خود من در اینجا پاسخ به نکات بالا نیست. افشاگری و حتی نقد آنها نیست. اساسا میخواهم تفاوتها را در چند پاراگرافی روشن کنم.

یک- تا آنجا که فحاشی شده به جریان ما، بیش از آنکه در مورد جریان حکمتیست و کمونیسم کارگری چیزی بگوید، ماهیت سیاسی خود را روشن تر کرده است. در نظر بگیرد کسی که یک زن آزاده را فاسد و فاحشه خطاب میکند، و یا دیگری را در نظر بگیرد، که آن یکی را به خاطر مسلمان نبودنش نجس میدانند. فرد سومی را در نظر بگیرد که طرفش را خابن به وطن معرفی میکند. در قیافه اشخاص مذکور، شما میتوانید بترتیب در اولی شخصیت یک نفر مردسالار، در دومی یک مسلمان متعصب، و در سومی یک ناسیونالیست را به همه نشان دهید. ردیف کردن عناوین "کثیف"، "پست فطرت"، "کثافت ها"، "مشکوک" و "ضد مارکسیست" برای حکمتیست ها و کمونیسم کارگری، قبل از اینکه چیز جدیدی در مورد ماها بگوید، هویت خود فرد را روشن میکند. اینها را جنبش معینی

در تمام عمر رژیم اسلامی به ما گفته و میگوید. من از این نظر حقیقتا انتقادی به وبلاگ مزبور ندارم. بالاخره در فرهنگ هر کسی و نیرویی پدیده ای کثیف و غیر قابل تحمل است. در اینمورد، و از نظر این سنت قرعه به اسم ماست!

دو- اما در مورد نقدش و یا بهتر بگویم دردش؛ نویسنده وبلاگ را مقاله مهرنوش موسوی سوزانده است. مقاله مزبور با جمله "اکبر گنجی باید آزاد شود" شروع میشود. و بعدا توضیح میدهد که گنجی قهرمان جنبش ما نیست. همین. گناه مهرنوش موسوی در این است که به پرزیدنت بوش، محسن سازگارا و سازمان اکثریت و ناسیونالیست ها و قوم پرستان کرد و رضا پهلوی و امثال اینها نپیوسته است، که اکبر گنجی را مناد مقاومت و قهرمان ملی بنامد. بخشی از هدف مهرنوش موسوی در آن مقاله نشان دادن این واقعیت است که در جامعه جنبش های اجتماعی و سیاسی مختلفی به حیات خود ادامه میدهند که منافع شان، اخلاقیات و سنن و ارزش های شان، و منجمله قهرمانان و شخصیت های شان و رهبران شان متفاوتند. قهرمان نسل گذشتگان شما مصدق بود، در دوره ای آقای خمینی ضد امپریالیست قهرمان شان بود، در دوره ای آقای خاتمی اصلاح طلب صاحب این موقعیت بود، حالا نوبت آقای اکبر گنجی قهرمان مبارزه آرام برای رفاندوم زیر چتر نظام است. اگر زندان و شکنجه ایشان را به رخ ما می کشید، باید بپذیرید که جلا د، اوین، آقای لاجوردی هم روزی خود زندانی سیاسی شاه بود، همانطوریکه امثال رفسنجانی و اعضای توده ای فدایی هم بودند. حالا سوال این است که قهرمانیها، فداکاریها، پیشرویها و تظاهاهای دیگران برای تقویت جنبش خودشان به ما و به جنبش آزادی و برابری چه مربوط است؟

سه- منصف باشید!

منصفانه نیست از صف ماها

بخواهید گنجی را قهرمان خود کنیم. از روز اول به قدرت رسیدن حکومت آقای گنجی، ما با اینها در جنگ بوده ایم. بهترین یارانمان را همان سالها در جنگ با رفقای اکبر گنجی و خود وی و امثال وی از دست دادیم. خیلی ها را در خرداد ۱۳۶۰ یاران ایشان کشتند و بقیه را باز هم در ۶۷...

آن روزها دولت اسلام نیزه از روی بست و به امثال گنجی خوش و خرم میگذشت و نیازی به تغییر پست از پاسداری به روزنامه نگاری نبود و بعدا که وضع اسلام بد شد، امثال گنجی و خاتمی و حجابیان و سازگارا و سروش و خلخالی و اکثریت و توده در لباس متفکرین و استراتژیست های این جنبش خواستند اصلاحش کنند و قابل تحمل. ما باز هم در مقابل شان ایستادیم، گفتیم اسلام هر نوعش باید برود.

حالا که اصلاح نظام ممکن نشد، گنجی و بخش عظیمی از یارانش در جبهه سابق شان سربازان و فرماندهان و قهرمانان و رهبران جنبش دیگری شده اند به اسم رفاندوم در نظام، به رهبری یکی دیگر از فرماندهان سپاه، آقای محسن سازگارا.

آیا ایرادی به ما و امثال انقلابیون کمونیستی وارد است که میگویند منافع اینها از روز اول در تقابل منافع مردم بوده است؟ کسی فراموش نمیکند که افشای لیست کامل اعدامیهای دورانی اولیه دولت اینها بعدتر در ۱۳۶۰ و بعدترها در ۶۷، و آنچه که دقیقا بر زندانیان در این دورانه رفت را تنها میشود از امثال گنجی و سازگارا شنید. و اینها قهرمانانه تا این لحظه آن لیست و آن وقایع را سر بسته نگاه داشته اند. کسی نباید فراموش کند که اولین معذرت اینها در مقابل مردم، بازگویی داستان هنوز نگفته گورستان های خاوران و لعنت آبادهای ایران و آنهاست که های ولگرد حاشیه شهرها شد.

چهار- منصف تر باشید!

شما میگویید که کمونیسم شما را به گند کشانده ایم. آیا میتوانید بپذیرید که کمونیسم ما، جنبش ما، و سنن سیاسی و قهرمانان و ارزشها و منافع ماها کاملا متفاوت است؟ کمونیسم بیژن جزنی شاخه ای از منتقدین درون خانواده سنت حزب توده است. سوسیالیسمش معجونی از عدالت علی بن ابی طالب به اضافه ضد آمریکایی گری شوروی سابق است. هدفش استقلال ایران و عدم وابستگی به آمریکا بود که به رهبری امام متحقق شد. تاریخ حزب توده و سازمان اکثریت و شعبات کوچکترشان گواهی میدهد که هیچ ربطی و هیچ وجه مشترکی بین کمونیسم کارگری و کمونیسم آنها موجود نیست. تمام طول عمر جمهوری اسلامی کمونیسم شما در کنار حاکمان و همراه جناحی از آنها بوده است. کمونیسم شما در قاموس اکثریت و توده، رسما معرفی کمونیست های نوع ما به اطلاعات اسلامی را به عنوان دستور تشکیلاتی از فعالین شان خواستند و جنایتکارانه عملی اش کردند. خدمات کمونیسم شما به اسلام سیاسی را تنها میتوان با کار جاسوسان فاشیسم هیتلری مقایسه کرد، که با علم بر اعدام افراد، آنها را تحویل وزارت اطلاعات و سپاه و بقیه ارگانهای حکومت ترور دادند. در مقابل، جنبش ما همیشه علیه حاکمان جنگیده است. اگر از نظر شما گندی در کمونیسم تان به چشم میخورد، بپذیرید تقصیر ما نیست، تقصیر سابقه جنایتکارانه کمونیسم خودتان در ایران اسلامی و کل اروپای شرقی است.

پنج- در مورد مشکوکیت ما گفته شده است. بیان این نکته جدید نیست. در جریان همین انتخابات اسلامیون نیز نشریه رفقای توده ایست "دانشگاه و مردم" ما را به دلیل سیاست های مان در قبال این سیرک اسلامی مشکوک اعلام کرد. اولین اطلاعیهای حزب توده در سالهای اول به قدرت رسیدن حکومت ضد امپریالیست شان، برای اولین بار این

واقعیت مشکوک بودن ما را به همه اطلاع دادند. بعدها رفقای اکثریتی شان تا توانستند از عوامل این جریان مشکوک وابسته به امپریالیسم را به آیت الله خلخالی و سازمان خوش نام مطبوع آقای اکبر گنجی معرفی کردند. در دوران مجاهدات دوم خرداد نیز بارها از طرف کیهان تهران و آقای شریعتمداری هویت مشکوک و یهودی الاصل ما افشا شده است. آقایان سحابی، فریبرز رییس دانا، علیرضا نوریزاده و لیستی از قهرمانان اصلاحات در نظام، بارها و بارها، ماهیت مشکوک ما را به عنوان اسرائیلی، آمریکایی و یا اخلاکگر در اصلاح اسلام به همه معرفی کرده اند. اضافه بر این عرض شود که صف ما همیشه برای جنبش توده ایستی شما صفی مشکوک به ارتباط با امپریالیسم و اسرائیل و... باقی خواهد ماند. به همین دلیل، باید پذیرفت که برای کمک به رفع این مشکوکیتها هم که باشد، کمک به خشکاندن ریشه های این جنبش ملی دینی باید یک هدف سیاسی کمونیسم کارگری باشد.

شش- ما را تهدید کرده اید که به عنوان محقق به نفع گنجی در دادگاه مردمی مورد ادعایان، رای خواهید داد که ایشان مستقیما در جنایت دست نداشته است، و یا تیر خلاص به کسی زده است. اولاً بحث امروز ما در مورد گنجی آزادی بی قید و شرط ایشان و معالجه کامل اوست. حکمی از جانب ما علیه شخص ایشان صادر نشده است. اگر روزی از دست اسلامیون رها شدیم و شاکتی شخصی ای جلو آمد و به همین دلیل دادگاه مورد نظر شما برقرار شد، اقدام شما میتواند روشنی بخش باشد و مثبت. در گفته خود دقت

کنید! شما ما را سرزنش، و کف بر دهان فحاشی میکنید. از نظر شما ایرادی در کار ما هست، که در کنار مطالبه آزادی گنجی او را قهرمان جنبش خود اعلام نکرده ایم. توجه کنید شما برای قهرمان کردن کسی با ما سر جنگ

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سو سیالیستی!

میخواهیم، تا از این طریق را نیز آزاد خواهد کرد، در این مورد هم صدق میکند. ما نمیتوانیم خواهان آزادی کامل برای خود باشیم بدون اینکه خواهان آزادی برای همه باشیم. در این راه، ما با همه موانع و مقدسات ملی، مذهبی، طبقاتی، سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی سر جنگ داریم. یکی از دلایل مشکوک بودن ما از نظر همه هواداران مقدسات رنگارنگ، از دشمنی کور ما با این موانع ملون مورد علاقه آنهاست.

حیاتی به تامین آزادیهای بی قید و شرط سیاسی دارد. در چنین فضایی است که طبقه ما فرصت پیدا میکند خود را برای یک انقلاب سوسیالیستی متشکل و آماده کسب قدرت کند. جنبش دیگران منتها تنها وقتی در قدرت است که آزادی بی قید و شرط سیاسی به خون کشیده میشود، و سرکوب حکم میراند و اوین برقرار است. فراموش نکنید که ما بیشترین آزادیها را برای جناح اقلیت نظام هم

تنها ایشان و نزدیکترین رفقای امروز میتوانند در اختیار خانواده های داغدار این کشور قرار دهند. هفت-دوست غیر مشکوک! ما خواهان آزادی گنجی و هر کسی هستیم که پشت میله است. این به خاطر چشم نازنین کسی نیست، به این خاطر است که جنبش ما تنها در یک آزادی کامل سیاسی تقویت میشود. جنبش رهایی انسان از قید و بند سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیاز

دارد که هنوز دادگاه شما او را از جنایت مستقیم در دوران عضویتش در مخوف ترین سازمان های جنایی تبریه نکرده است! یادتان باشد هنوز امام خمینی جنایتکار سمبل قاطعیت گنجی است، که در مرخصی اخیرش به آن اشاره کرد. خود گنجی تا این لحظه حتی یکبار اباقت عضویتش در سازمانهای جنایی اسلامی از مردم ایران عذر نخواست است. هنوز اطلاعات مربوط به لیست معدومین زیادی را

نهادینه شده است، از قبل شکست خورده قلمداد میشود و پروژه او معنا و مفهوم خود را از دست میدهد. اما مسجل بودن از پیشی شکست، او را در برداشتن این گام مردد میسازد. در مشهد دارند ساز و کار یک حمله آزمایشی و تمرینی را آماده میکنند، اما همزمان در مطبوعات و در تهران میگویند ما در مسائل خصوصی مردم دخالتی نمیکیم تا بقیه رازارام سازند. اما همه میدانند وارد شدن اینگونه به نبرد یعنی شکست از پیشی.

ای و رسالت به او میگویند سیاست بیاموزد و خاتمی و حجازیان و کربوبی ضمن تکذیب خبرها در باره دست داشتن مستقیم رئیس جمهور منتخب در ترورها و قتلها و چاقو کشیها، مشغول ایجاد مانع و سد در مقابل عملکرد آینده این مزدور خیابانی دیروز و رئیس جمهور امروز هستند. اما جدا از همه اینها شکست جمهوری اسلامی در اجرای حجاب اسلامی نهادینه شده تر از آن است که جمهوری اسلامی بتواند کاری در این زمینه انجام دهد. اگر جمهوری

گرفتند و فکر میکنند راه نجات حکومت اسلامی هم در اجرای تمام و کمال قوانین اسلامی و سرکوب و بدون مدارای حرکت آزادیخواهانه مردم و بخصوص زنان میباشد. بسیاری از سران نظام نگران عملکرد این مزدور خیابانی شان هستند که در شکاف میان جناحها بر مسند قوه مجریه نشاند شده است. نگرانی بسیاری از سران نظام از عملکرد این پادو و مزدور خیابانی شان واقعی است. بسیاری از همه جناحها در حال حالی کردن سیاست به وی هستند. خامنه

از صفحه ۲ حکومت اسلامی و اجرای قوانین آن توازن قوا و تاکتیک نمیشناسند و بدون در نظر گرفتن قدرت مردم و بی چون و چرا خواهان اجرای تمام قوانین اسلامی هستند، میخواهند بخت خود را بیازمایند. اینها تصور میکنند که میتوانند شکست جمهوری اسلامی را در این زمینه جبران کنند. اما یکی از این پادوهای رژیم مدعی است که میتواند و عده ای که حکومت اسلامی را بدون اجرای کامل قوانین وحشیانه اسلام دچار نقصان مینمایند دور و بر این مزدور خیابانی را

مردم ایران برای خلاص شدن از بختک آخوند و اسلام دست زدن به قیام عمومی برای درهم کوبیدن کلیت جمهوری اسلامی است. قیام عمومی سراسر ترین، کم در سرتین و کم هزینه ترین راه سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی است. تنها درهم کوبیدن کلیت جمهوری است که آنچنان هزیمتی به آخوند و اسلام تحمیل میکند که نه تنها ایران بلکه کل منطقه را از دست توحش و بربریت اسلامی رها خواهد ساخت. جمهوری اسلامی نیمه سرنگون شده خطرناک تر از جمهوری اسلامی سرنگون نشده است. اوضاع عراق در

مردم سرنگونی طلب در سراسر ایران را عقب براند. این یورش وحشیانه اما به سد مقاومت و اعتراضی مردم مهاباد برخورد کرد، که قطعاً حمایت دیگر مردم شهرهای کردستان ایران را بدنبال خواهد داشت. ماجرا اما هنوز خاتمه پیدا نکرده است. باید به یاری مردم مهاباد شتافت. در این رویدادها عده زیادی از مردم و جوانان شهر مهاباد زخمی شده اند و عده زیادی نیز دستگیر شده اند و از دستگیریهایی جدیدی نیز خبر میرسد. شهر هنوز نا آرام است. فضای حاکم بر شهر مهاباد کاملاً نظامی است. مزدوران مسلح

رفته است که خود را بعد از این "انتخابات" نه تنها سرخورده که پیروز میدانند و با گرفتن این سنگر از جمهوری اسلامی قرار بود پیشروی کنند. علیرغم عوام فریبی مزدوران محلی جمهوری اسلامی که برای چند روزی نام مسخره "اصلاح طلبان کرد" را بر خود نهادند، علیرغم سفر کاندیدههای ریاست جمهوری اسلامی به بعضی از شهرهای کردستان ایران که بیشتر فرار را بر قرار ترجیح دادند و علیرغم هیاهو و جنجال عوام فریبانه ای که کل اپوزیسیون راست پشت سر رفسنجانی راه انداخته بود، مردم کردستان ایران در این مضحکه شرکت نکردند و نشان دادند که با جمهوری اسلامی انتخاباتی ندارند. جمهوری اسلامی با دست زدن به ترور و دستگیری و سب مردم در مهاباد و مریوان میخواهد از مردم سرنگونی طلب کردستان ایران زهر چشمی بگیرد و با عقب نشاندن آنان بخيال خود صف

از صفحه ۱ رویداد شد. رویداد مهاباد اولین رویارویی وسیع مردم و جمهوری اسلامی بعد از "انتخابات" ریاست جمهوری است. جمهوری اسلامی که در آخرین خندق خود مجدداً "زره" فاشیسم اسلامی خمینی را به تن کرده است، با پایان گرفتن این "انتخابات" می بایست چنگ و دندان نشان دهد تا پایان فضای دوره "انتخابات" را اعلام کند. مطابق معمول و بنا به روش همیشگی جمهوری اسلامی، دستگیری و ترور و تهدید مخالفین سیاسی، تهدید در مشهد، رویداد مهاباد، دستگیری بیش از ۲۰ تن در شهر مریوان و حومه و اعدام دو نوجوان در مشهد، اینها چنگ و دندان بودند که جمهوری اسلامی با آن ادامه سلطه خونین خود را بر جامعه و مردم یادآوری کرد.

جمهوری اسلامی به خودی خود سرنگون نمیشود، جمهوری اسلامی را باید انداخت و سرنگون کرد. تا آخوند و مذهب سرکار باشند این وضعیت ادامه خواهد یافت، بساط زندان و شکنجه و اعدام و ترور و کشتار در کنار تحمیل فقر و فلاکت و اعتیاد و تن فروشی و غیره ادامه خواهد یافت. تنها راه ختنی کرد.

جمهوری اسلامی، نظامی و انتظامی و غیره سر چهار راه ها و معابر عمومی را گرفته اند. مردم را تهدید میکنند، هر آن احتمال عکس العمل و درگیری جوانان و مزدوران مسلح جمهوری اسلامی هست. باید خواستار آزادی دستگیرشدگان فوری رویدادهای اخیر شد. باید جمهوری اسلامی را محکوم

راه انداخته بود، مردم کردستان ایران در این مضحکه شرکت نکردند و نشان دادند که با جمهوری اسلامی انتخاباتی ندارند. جمهوری اسلامی با دست زدن به ترور و دستگیری و سب مردم در مهاباد و مریوان میخواهد از مردم سرنگونی طلب کردستان ایران زهر چشمی بگیرد و با عقب نشاندن آنان بخيال خود صف

جمهوری اسلامی یورش بعد از انتخابات خود را از مردم شهرهای کردستان ایران شروع کرد. به جنگ مردمی

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!